

## بررسی مسأله لقاح مصنوعی با رویکرد فقهی - حقوقی<sup>۱</sup>

دکتر فهیمه ملک زاده  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

یکی از رخدادهایی که در مورد آن نص خاصی وجود ندارد و امروزه درباره مسائل و احکام آن اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، تلقیح مصنوعی است؛ در حالی که حکم آن از نصوص عام و اصول کلی خارج نیست و پیشوایان دینی علیهم‌السلام فرموده‌اند: «بیان اصول و قواعد بر ماست و استخراج جزئیات بر عهده شماست». از این رو، فقها در جهت امتثال امر ایشان، تلاش خود را برای استنباط حکم مسأله تلقیح مصنوعی از منابع شرعی به کار گرفته‌اند؛ گرچه بعضاً حکم مشخص و روشنی در این خصوص نداده‌اند. در این مقاله سعی بر این است که مسأله باروری مصنوعی عنوان و از جهات مختلف بررسی شود و نظرات و احکام فقهی مطرح شده، ادله فقهی در این مورد بیان گردد تا نتیجه پژوهشی به دست آید.

### واژگان کلیدی

تلقیح مصنوعی، نطفه، لقاح، طفل، نسب، مشروع، نامشروع

---

۱- پذیرش مقاله: ۸۷/۲/۳۰؛ ارزیابی: ۸۷/۳/۵

چندی است که علم پزشکی توانسته به وسیله لقاح مصنوعی<sup>۱</sup> در تولید طفل به طبیعت کمک نماید و نقصی را که در اثر بیماری یا عوامل دیگر، مانع از تولید نسل می‌گردد را بر طرف سازد. این امر در اجتماع کنونی به تدریج رو به فزونی نهاده و توجه علمای ادیان و حقوقدانان را به خود جلب کرده و مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است.

لقاح مصنوعی از دو نظر مورد توجه قرار می‌گیرد: یکی از نظر حکم تکلیفی که مربوط به جواز یا عدم جواز و ممنوعیت لقاح است؛ دیگر از نظر حکم وضعی درباره طفلی که از آن به وجود می‌آید. یعنی این سؤال مطرح است که چنین طفلی ملحق به پدر و مادر طبیعی خود است یا ملحق به هیچ یک نیست و به آنان تعلق ندارد.

در حقوق مدنی لقاح مصنوعی بیشتر از نظر حکم وضعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (امامی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۹۵ به بعد).

### نسب ناشی از لقاح مصنوعی

طفل متولد از لقاح مصنوعی، ممکن است به یکی از دو طریق زیر باشد:

۱- **طفل متولد از لقاح مصنوعی منی شوهر**— در صورتی که زن به وسیله لقاح مصنوعی از منی شوهر حامله گردد، طفل متولد شده طفل قانونی می‌باشد؛ زیرا تمام شرایط لازم برای نسب قانونی را واجد است. فرقی که لقاح مصنوعی با موارد عادی دارد، آن است که در لقاح مصنوعی طفل به وسیله طبیعی، یعنی نزدیکی بین زن و شوهر به وجود نیامده است. این امر البته تأثیری در نسب قانونی ندارد؛ زیرا قانون، عمل نزدیکی را شرط نسب قانونی قرار نداده است و به همین جهت طفل متولد از تفخیز زن و شوهر هم منتسب به پدر می‌باشد.

---

۱- لقاح مصنوعی عبارت از داخل کردن منی مرد به وسیله آلات پزشکی در رحم زن است. به طفلی که از عمل مزبور بوجود می‌آید طفل متولد از لقاح مصنوعی می‌گویند.

**۲- طفل متولد از لقاح مصنوعی منی مرد اجنبی -** در صورتی که زنی به وسیله لقاح مصنوعی از منی مرد اجنبی حامله شود، خواه زن مزبور شوهردار باشد، یا شوهر نداشته باشد، طفلی که از آن متولد گردد، یکی از دو صورت زیر را خواهد داشت:

**اول - جهل زن و مرد به عمل لقاح -** در صورتی که مرد و زنی که لقاح مصنوعی بین آنان به عمل آمده جاهل به حقیقت امر باشند؛ مثلاً زن شوهرداری به پزشک بیماری‌های زنان مراجعه و از حامله نشدن خود شکایت نماید و درخواست مداوا کند و پزشک به عنوان مداوا و لزوم شستشوی رحم، منی مردی را که برای تجزیه ماده حیاتی در لابراتوار خود داشته در رحم زن بگذارد و زن حامله گردد، در این صورت طفل ملحق به پدر و مادر طبیعی خود می‌باشد، زیرا طفل مزبور در ردیف ولد شبهه است و همان گونه که ولد شبهه ملحق به کسی است که جاهل به حرمت رابطه بوده است، در مورد مزبور به طریق اولی ملحق به او خواهد بود؛ زیرا دخول با مرد اجنبی واقع نشده است. در صورتی که یکی از زن و مرد جاهل به حقیقت امر باشد طفل نسبت به او در حکم ولد شبهه است. چنان که در ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی آمده است: «طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده‌اند، ملحق به هر دو خواهد بود».

**دوم - علم زن و مرد به عمل لقاح -** هر گاه در لقاحی که به عمل می‌آید، زنی که منی در رحم او گذارده می‌شود و همچنین مردی که منی از او گرفته می‌شود آگاه به حقیقت امر باشند، خواه زن و مرد یکدیگر را بشناسند یا نشناسند، چنان که زنی برای عمل لقاح مصنوعی نزد پزشک برود و پزشک برای این امر منی مردی را که زن او را ندیده و نمی‌شناسد در رحم او بگذارد و از آن لقاح طفلی متولد گردد، در الحاق طفل به مادر و پدر بین علمای حقوق اختلاف است. بعضی از فقها برآنند که طفل متولد از لقاح مصنوعی منی مرد و زنی که حقیقت امر را در حین ارتکاب عمل لقاح می‌دانستند در حکم ولد زنا می‌باشد و ملحق به پدر و مادر

طبیعی خود نمی‌شود، زیرا با علم زن و مرد به نبودن رابطه زوجیت بین آن دو، احترامی برای منی از نظر اجتماعی موجود نیست. بعضی دیگر برآنند که ولد مزبور فقط به مادر طبیعی ملحق می‌شود، زیرا فرزند ملحق به مادر است، ولی چون الحاق طفل به پدر در صورتی است که از طریق متعارف متولد شود، لذا نمی‌توان او را به پدر طبیعی ملحق نمود. تحلیل دیگر بر اساس آنچه از اصول حقوقی و مخصوصاً مواد قانون مدنی ایران استنباط می‌شود، آن است که هر فرزند طبیعی، قانونی است مگر آنکه قانون تصریح برخلاف نموده باشد و موردی را که قانون نشناخته، ولد زناست که ملحق به کسی که مرتکب زنا شده نمی‌گردد و در بقیه موارد طفل ملحق به پدر و مادر است و فرقی هم بین پدر و مادر از آن جهت که منی به طور طبیعی یا به وسیله مصنوعی، در رحم زن قرار گیرد، نمی‌توان گذارد. به نظر می‌رسد که پیروی از نظریه اول با اصول اخلاقی و حفظ خانواده که سلول‌های متشکله اجتماع است اولی باشد؛ ولی از نظر قضایی محض نمی‌توان از نظر اخیر دست برداشت (امامی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۹۴-۱۹۶).

قابل ذکر است که صورت‌های متعدد دیگری نیز در این خصوص متصور است که مجال طرح آنها نیست.

### اشکال مختلف تلقیح مصنوعی

تلقیح مصنوعی به طور کلی دو گونه است: تلقیح نطفه و اسپرم مرد به همسرش که به آن A.I.H گفته می‌شود<sup>۱</sup> و تلقیح نطفه یا اسپرم مرد اجنبی به زن است که به آن A.I.D گفته می‌شود<sup>۲</sup>.

تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر، امروزه مشکل حقوقی و شرعی ندارد و از لحاظ نسب و آثار و تبعات متفرع بر آن مشکلی ایجاد نمی‌کند. بچه‌ای که بدین ترتیب پدید می‌آید، متعلق به زن و شوهر است و همه آثار مربوط به نسب صحیح و

---

1-Artificial Insemination with husband, semen.

2-Artificial Insemination with a Donor, semen.

مشروع بر آن بار می‌شود. عمل مزبور علی‌الاصول فاقد جنبه کیفری و ماهیت جرم و حرمت شرعی است؛ مگر اینکه در طریق اعمال این روش، عمل حرام و یا احیاناً جرم صورت گیرد که فقط همان عمل، جرم یا حرام است و تأثیری در اصل صحت عمل ندارد. امام خمینی(ره) این مطلب را در *تحریر الوسیله* بدین عبارت بیان کرده‌اند: «تلقیح نطفه مرد به زوجه‌اش بدون اشکال جایز است، اگر چه احتراز از حصول مقدمات حرام، واجب است مثل اینکه تلقیح‌کننده بیگانه باشد یا تلقیح مستلزم نگاه کردن به آنچه که نظر به آن جایز نیست، شود. پس اگر فرض شود که نطفه به صورت حلالی خارج شده و زوج آن را به زوجه‌اش تلقیح نماید و از آن فرزندی پیدا شود، فرزند آنها می‌باشد همان طوری که اگر به جماع متولد شود.

بلکه اگر تلقیح از نطفه مرد به زوجه‌اش به صورت حرام واقع شود، کما اینکه بیگانه تلقیح نماید یا منی را به طرز حرام درآورد، فرزند، فرزند آنها می‌باشد؛ اگر چه به جهت ارتکاب حرام گنجهکار می‌باشند» (*الموسوی الخمینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۷۱*).

در عین حال، برخی از فقها چون مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله میلانی این شق را نیز محل اشکال و تأمل دانسته‌اند (*امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۶۷*). برخی از فقها هم معتقد بودند که صرف خلق شدن بچه از آب مرد (نطفه مرد) موجب الحاق بچه به او نمی‌شود بلکه برای اثبات نسب و الحاق طفل باید آمیزش صحیح بین زن و مرد ولو به صورت شبهه صورت گیرد، زیرا بین انسان و حیوان این فرق وجود دارد که در انسان نکاح وجود دارد و همانند حیوان نیست که صرفاً هدف آن تولید بچه از ترکیب نطفه نر و ماده باشد (نجفی، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۳۹۸).

ولی به هر حال، امروزه این نظر در اقلیت است و نظر غالب بر جواز تلقیح نطفه شوهر به همسر خود به کمک وسایل پزشکی و اثبات نسب بین بچه و زوجین می‌باشد. اما تلقیح نطفه غیرشوهر به زن، بحث‌های فراوانی را در پی دارد و نظریات گوناگونی در این زمینه ابراز شده است، که از چند جهت حائز اهمیت و قابل بحث است:

اول - جنبه کیفری و جرم بودن عمل به لحاظ زنا؛ دوم - حرمت و ناپسند بودن و جرم بودن آن به خاطر مصالح اجتماعی و اخلاقی.

با تعریفی که از زنا در فقه و قانون مجازات اسلامی شده، از لحاظ فقهی و قانونی نمی‌توان این عمل را به عنوان زنا جرم تلقی کرد و احکام زنا را بر آن بار نمود. در فقه، زنا که جرم و موجب حد است، چنین تعریف شده است: «تحقق زنای موجب حد، به این است که انسان آلت اصلی مردانگیش را در عورت زنی که اصالتاً بر او حرام است، داخل نماید بدون عقد ازدواج...» (الموسوی الخمینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۳).

ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی نیز زنا را بدین گونه تعریف نموده است: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دُبُر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه». به هر حال در تحقق مصداق زنا، تماس بدنی و ادخال آلت مرد در آلت زن شرط است. بنابراین بر تلقیح اسپرم مرد بیگانه در رحم زن، زنا صدق پیدا نمی‌کند و نمی‌توان این عمل را زنا و از این بابت جرم یا حرام دانست، فقهای هم که به این مطلب پرداخته‌اند، عمل مزبور را به عنوان زنا حرام ندانسته‌اند. نمایندگان نهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا نیز که در ۲۴ تا ۳۰ اوت ۱۹۶۴ در لاهه هلند بر پا شد، اظهار داشتند: «تلقیح مصنوعی چون متضمن مقاربت مرد و زن نیست، رابطه نامشروع محسوب نمی‌گردد» (امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۷۵).

اما برخی معتقدند که تلقیح مصنوعی هر چند زنا محسوب نمی‌شود، ولی نفس قرار دادن نطفه مرد بیگانه در رحم زنی که به او علقه زوجیت ندارد و حتی در علقه زوجیت مرد دیگری است، یک عمل غیراخلاقی و ناپسند است و آثار و تبعات ناگواری برای خانواده‌ها و جامعه دارد و لذا باید ممنوع باشد<sup>۱</sup>.

## نظر فقها درباره تلقیح مصنوعی با نطفه غیرشوهر

۱- برای آگاهی از این نظریات و نیز تلقی غرب و کلیسا از موضوع تلقیح مصنوعی بنگرید به: امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۷۵؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷.

بسیاری از فقها این عمل را حرام و مغایر با موازین شرع می‌شمارند؛ از جمله مرحوم آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله میلانی، آیت‌الله خوئی، آیت‌الله گلپایگانی، امام خمینی (ره)، آیت‌الله صافی، آیت‌الله مکارم شیرازی، سید صادق روحانی. امام خمینی (ره) در *تحریر الوسیله* می‌فرماید: «تلقیح نطفه غیرزوج، جایز نیست خواه زن، شوهردار باشد یا نه، زوج و زوجه به آن راضی باشند یا نه، زن از محارم صاحب نطفه باشد مانند مادرش و خواهرش یا نه» (*الموسوی الخمینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۷۱*).

آیت‌الله گلپایگانی می‌فرماید: «... تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه به نظر حقیق جایز نیست و در مسأله توارث احتیاط به مصالحه با سایر ورثه ترک نشود...» (*گلپایگانی، ۱۳۶۳، مسأله ۲، ص ۱۷۷*).

از آنجا که عمل تلقیح نطفه مرد اجنبی به زن، چنان‌که قبلاً گفتیم، زنا محسوب نمی‌شود، و از آن حیث حرام نیست، باید دید علت حرمت آن از نظر فقها چیست؟ از مرحوم آیت‌الله بروجردی نقل شده است که فرمود: «آنچه از مفاهیم ادله و بعضی مناطیق آنها مستفاد می‌شود، این است که تلقیح مصنوعی منی مرد اجنبی بر مرأه اجنبیه، خواه دارای زوج باشد یا نباشد، حرام است و در بعض صور آن احکام ولد زنا ثابت است و در بعضی صور احکام ولد شبهه...». البته ایشان تلقیح منی شوهر را به زن خود نیز محل اشکال و تأمل دانسته‌اند (*مامی، ۱۳۴۹، ص ۳۶۷*). آیت‌الله میلانی نیز فرموده است: «از ظواهر آیات و روایات درباره لقاح اختیاری (مصنوعی) چیزی به نظر نرسیده است؛ ولی از لحن الخطاب و ذوق فقهی می‌توان گفت که یقیناً جایز نیست» (*همو*).

برای حرمت موضوع، استناد شده است به مفاد برخی از آیات قرآن و احادیث که دلالت می‌کنند بر لزوم حفظ فرج، مثل آیه ۳۱ سوره نور یا گناه بودن ریختن آب مرد به صورت حرام در فرج زن مذکور در روایت منقول از امام صادق علیه السلام «شدیدترین عذاب در روز قیامت، عذاب مردی است که نطفه خود را - و در نقل دیگری نطفه عقاب را - در رحم زنی نامحرم بریزد» (*الحرالعالمی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۳۹، باب ۴ از ابواب نکاح المحرم و ما یناسبه*). و یا حدیث منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «در میان

کارهایی که بنی آدم انجام می‌دهد، کاری بدتر و گرانتر بر خداوند عزوجل از کشتن پیامبر ﷺ یا امام ﷺ یا خراب کردن کعبه که خداوند آن را برای بندگان قبله قرار داده یا ریختن منی از روی حرام توسط مرد در رحم زنی نمی‌باشد» (همو).

### تحلیل جواز یا عدم جواز تلقیح مصنوعی به لحاظ آثار آن

برای تجویز این عمل و فتوا دادن بر جواز و صحت آن یا وضع قانون بر جواز، به نظر می‌رسد باید ابتدا آثار و تبعات قانونی و اجتماعی آن را بررسی کرد. نسب که به معنای خاص و محدودش عبارت از وجود رابطه پدر فرزندی یا مادر فرزندی است، دارای آثار حقوقی و اجتماعی است. یعنی موجب توارث است، از موانع نکاح و موجب حرمت نکاح است و از لحاظ تکالیف شرعی مربوط به نگاه و معاشرت، موجب محرمیت است، از لحاظ اجتماعی نیز شخص ریشه و منشأ و هویت خود را می‌داند و می‌شناسد. مسأله مهم و قابل بحث، این است که آیا این نسب که دارای چنین آثاری است، یک امر جعلی و قانونی است یا یک امر طبیعی که قانون آن را به رسمیت می‌شناسد و بر آن آثار مترتب می‌کند نوع طبیعی و مقبول نسب که همواره در همه مذاهب و عرف و عادات و مقررات پذیرفته شده، این است که در اثر وجود علقه زوجیت یعنی رابطه قانونی و مشروع بین زن و مرد و با قرار گرفتن نطفه مرد در رحم زن، چه در اثر آمیزش و تماس به صورت انجام عمل مقاربت، چه با ریختن منی مرد در رحم زن ولو بدون عمل دخول مثل تفخیز و نظایر آن و چه آن گونه که امروزه میسر شده، یعنی تزریق منی مرد به کمک وسایل پزشکی به داخل رحم زن، بچه‌ای پرورش یابد و متولد شود، این بچه که از لحاظ خلقت طبیعی رابطه خونی با این زن و مرد دارد و از آنها آفریده شده، رابطه نسبی دارد و مشمول آیه ۸ سوره سجد می‌شود که می‌فرماید: «سپس نسل او را از عصاره آب ناچیز و بی‌قدر خلق کرد» از این رو همه آثار حقوقی و اجتماعی مذکور برای نسب در این مورد صادق است.



حال اگر این وضعیت وجود نداشته باشد یعنی یا بچه از نطفه مرد و زنی به وجود آمده که رابطه صحیح و قانونی ازدواج بین آنها برقرار نبوده، یا پیدایش بچه از منی مرد و یا پرورش یافته در رحم زن نبوده است آیا قانونگذار یا شارع می‌تواند بین این بچه و مرد و زن مورد نظر رابطه نسبی برقرار کند یعنی جعل نسب نماید و به حکم قانونگذار نسب برقرار باشد و آثار خود را بگذارد یا خیر؟ باید مکانیزم حقوقی این امر را در سیستم حقوقی بررسی کرد و بر آن پایه نظر داد و اگر لازم شد فتوا داد یا قانون وضع نمود (مهرپور، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۷۳-۳۷۷).

### وضعیت زن در لقاح مصنوعی

برای تولید و پرورش جنین و طفل، زن دو نقش دارد: یکی دادن تخمک و ترکیب با نطفه مرد و دیگری جای دادن این موجود مرکب در رحم که تغذیه و رشد و نمو و شکل گرفتن جنین آن انجام می‌گیرد. اگر اسپرم مردی با تخمک زنی ترکیب شود حال به طور طبیعی یا با کمک پزشکی و از طریق آزمایشگاهی و این جنین در رحم آن زن پرورش یابد، بی‌تردید از لحاظ طبیعی، زن مادر این بچه، و مرد پدر او محسوب می‌شود و از لحاظ قانونی نیز مسأله تابع این است که این آمیزش یا لقاح مشروع و قانونی بوده یا خیر، و نسب طفل طبیعی را به رسمیت بشناسیم یا خیر، ولی اگر عمل دادن تخمک و نگهداری جنین در رحم به وسیله دو زن انجام گیرد حکم قضیه چه خواهد بود؟

آیا مادر طفل، زن صاحب تخمک است یا زنی که حمل و وضع جنینی را به عهده دارد؟

بچه‌ای که بدین ترتیب به دنیا می‌آید، از لحاظ نسب پدری وضعش معلوم است و متعلق به مرد صاحب اسپرم است، ولی از لحاظ مادری باید دید آنکه جنینی در رحم خود جای داده و از خون خویش و شیره جان خود او را تغذیه کرده و زحمت حملش را و بعد وضعش را به عهده داشته، مادر محسوب می‌شود، یا کسی که نشأت اولیه طفل و تخمک از آن او بوده که به وسیله ترکیب با اسپرم

مرد، هسته اولیه تشکیل طفل را پدید آورده است و رحم زن در واقع در حد یک ظرف و زمینه و بستر پرورش موجودی است که قبلاً موجودیت پیدا کرده است؟ ممکن است به استناد حدیثی که در مورد مقاربت مرد با همسرش و سپس مساحقه زن با کنیزش و باردار شدن کنیز نقل شده زن حامل جنین مادر محسوب شود. حدیث به تعابیر و طرق گوناگون عمدتاً از امام صادق علیه السلام نقل شده که در برخی از نقل‌ها امام خود مستقیماً حکم را بیان کرده و در بسیاری از نقل‌ها بیان حکم را به حضرت امام حسن علیه السلام نسبت داده است: یکی از نقل‌ها که از طریق معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل شده می‌گوید: از امام پرسیدم: مردی با زن خود آمیزش کرده آنگاه زن آب او را (منی او را) در اثر مساحقه به کنیزی منتقل کرده است و کنیز باردار شده امام علیه السلام فرمود: بچه ملحق به مرد است و زن باید سنگسار شود و بر کنیز نیز حد اجرا می‌شود (*الحرالعاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۴۲۸*). در این حدیث گفته شده که همسر مرد قطعاً مادر بچه محسوب نمی‌شود و قاعدتاً کنیز مادر محسوب است؛ امام خمینی (ره) تصریح دارند که فرزند ملحق به دختری می‌شود که در اثر مساحقه حمل برداشته است. عبارت ایشان چنین است: «اگر مرد زوجه‌اش را وطی کند، سپس این زن با باکره‌ای مساحقه نماید و این بکر، حامله شود، پس فرزند مال وطی‌کننده صاحب نطفه است و این صبیبه بعد از وضع حملش در صورتی که موافق بوده به یک‌صد (تازیانه) جلد می‌شود و فرزند هم به او ملحق می‌شود...» (*الموسوی الخمینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰۱*).

## ادله حرمت تلقیح مصنوعی و نقد آنها

### الف - کتاب

خداوند متعال به پیامبر خود فرمان می‌دهد که «به زنان مسلمان و مؤمن بگو چشم‌هایتان را ببندید و فروج خود را حفظ کنید» (نور، ۳۱). مخالفان تلقیح مصنوعی عقیده دارند که حذف متعلق در آیه افاده عموم می‌کند؛ یعنی واجب است زنان

مسلمان فروج و شرمگاه خود را از هر چیز، از جمله تمامی صورت‌های تلقیح؛ حفظ نمایند.

علامه طباطبایی از آیه این نظر را استظهار می‌کند که: به قرینه صدر آیه که می‌فرماید «*يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ*»، استفاده می‌شود که مراد از حفظ فروج، ستر و پوشش آنهاست از دید ناظران؛ همان طور که ذیل آیه نیز قرینه است که مراد از صدر (یغضوا) پوشیدن چشم است از نگاه به فروج (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۱۲۰).  
شیخ طوسی نیز در تفسیر تبیان می‌فرماید: خداوند امر فرموده است که مردان و زنان مسلمان فروج خود را از هر چیز حرام حفظ کنند و آن را از ناظر محترم مستور نمایند (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۲۸).

## ب - روایات

۱- علی بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که:

شدیدترین عذاب در روز قیامت، عذاب مردی است که نطفه خود را در رحمی بریزد که بر او حرام است (الحرالعالمی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۳۹).

این روایت از حیث سند و دلالت مورد مناقشه است، زیرا علی بن سالم مورد اشکال واقع شده است. برخی گفته‌اند: علی بن سالم بین دو نفر مرد است: یکی علی بن سالم بطائنی که واقفی و متهم به دروغ‌گویی است و دیگری علی بن سالم که مجهول است؛ بلکه بعضی‌ها گفته‌اند که علی بن سالم یک نفر است آن هم بطائنی است که متهم به دروغ‌گویی است. علی بن سالم هر کدام از این دو نفر باشد، روایت فوق از درجه اعتبار ساقط است؛ زیرا یا مجهول است یا دروغگو.

از جهت دلالت نیز مورد اشکال است: اولاً- جمله «*رَجُلٌ أَقْرَبَ نَظْفَتِهِ*» در روایت مورد بحث به آنچه در این خصوص متعارف است (یعنی ریختن نطفه به صورت زنا) منصرف است؛ یعنی اگر با زنی که بر او حرام است آمیزش کند؛ به شدیدترین عذاب می‌رسد؛ ثانیاً- این دلیل اخص از مدعی است و شامل بسیاری از تلقیحات مصنوعی نمی‌شود؛ زیرا جمله فوق، ظاهر بلکه صریح است در اینکه ریختن نطفه

به صورت مباشرت باشد. پس اگر این حمل با دست خود زن یا شوهر او انجام شود، مشمول روایت نخواهد بود و عنوان «رجل اقر نطفته» به این رقم تلقیح صدق نخواهد کرد. تلقیحات نوعاً دور از چشم و اختیار صاحب نطفه (اسپرم) انجام می‌گیرد.

در بعضی از نوشته‌ها آمده است که ظاهر حدیث این است: آنچه منع شده، ریختن آب مرد در رحمی است که بر او حرام است در این جهت، به حسب عرف، مباشرت دخالتی ندارد. به همین دلیل فقها با استدلال به این حدیث، عزل را بر زناکار واجب دانسته‌اند، چون از حدیث معلوم می‌شود که علاوه بر عمل آمیزش، ریختن نطفه در رحم، خود حرامی دیگر است (حرم پناهی، ۱۳۷۶، ش ۹، ص ۱۳۹).

رسول خدا ﷺ فرمود: از کارهایی که فرزندان آدم انجام می‌دهند، نزد خداوند کاری بدتر و گرانتر نیست از کشتن پیامبر ﷺ یا امام ﷺ و خراب کردن کعبه که خداوند آن را برای بندگانش قبله قرار داده و اینکه مردی نطفه خود را در رحم زنی از روی حرام بریزد.

این حدیث مانند حدیث سابق از حیث سند و دلالت ضعیف است آنچه در حدیث علی بن سالم گفته شد در این حدیث نیز گفته می‌شود.<sup>۱</sup> از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که تلقیح مصنوعی از حیث ادله (کتاب و سنت) مانعی ندارد و بعضی از دانشمندان مفاسدی بر آن ذکر کرده‌اند که آنها یا جزء مفاسد نیستند و یا قابل دفع هستند؛ بنابراین نظریه تلقیح صناعی رابطه نامشروع نیست و کودکان ناشی از آن نامشروع محسوب نمی‌شوند (قبله‌ای، ۱۳۷۸، ش ۱۳-۱۴، ص ۱۲۳).

## یافته‌های پژوهش

در مورد مسأله لقاح مصنوعی افراط و تفریط وجود دارد؛ عده‌ای حتی تلقیح مصنوعی اسپرم مرد را به همسر قانونی خود با وسایل پزشکی مجاز نمی‌دانند برخی تمام انواع آن را مجاز اعلام می‌کنند. حتی مراجعه زن به بانک‌هایی که نطفه

۱- در مورد آیات و روایات استدلالات دیگری نیز وجود دارد که می‌توان به منابع موثق مراجعه شود.

مردان و زنانی را نگهداری می‌کنند و گرفتن و کاشتن نطفه مرد را در رحم زن مجاز می‌دانند با اینکه صاحب نطفه معلوم نیست و بچه‌ای که بدین ترتیب متولد می‌شود، نه با این زن و شوهر او نسب دارد چرا که از اسپرم و تخمک آنها نشأت نگرفته، و نه پدر و مادر طبیعی او معلوم است چرا که دهنده نطفه معلوم و مشخص نیست. در نتیجه دیگر طهارت نسل و جلوگیری از اختلاط انساب، مفهومی پیدا نمی‌کند.

به نظر می‌رسد ابعاد مسأله از نظر فقهی و حقوقی و تأثیرات اجتماعی و حتی علمی هنوز به طور صحیح و کامل تشریح نشده است. متخصصان روش‌های نوین ناباروری باید روش‌های مختلف قابل عمل را کاملاً باز و تبیین نمایند. اثرات ژنتیکی روش‌های گوناگون تلقیح اسپرم و تخمک نیز باید بررسی شود و احیاناً آثار اجتماعی این نوع زاد و ولدها و رواج آن نیز مورد بررسی قرار گیرد تا آنگاه فقها با تکیه بر این دانسته‌ها و تشخیص‌های موضوعی و یا توجه به مبانی فقهی در مورد نسب و آثار و احکام آن و نه صرفاً به استناد زنا محسوب نشدن اصل عمل، حکم فقهی را بیان نموده و قانونگذار بر اساس احکام روشن فقهی حدود و ضوابط آن را دقیقاً مشخص نماید. ولی به طور کلی می‌توان گفت: تلقیح اسپرم مرد به همسر خود یا ترکیب آن با تخمک همسر در خارج از رحم و بعد قرار دادن آن در رحم و یا به طرق علمی دیگر اسپرم را بارور کردن و در رحم همسرش قرار دادن علی‌الاصول مانعی ندارد و بچه حاصل از این عمل نسبش به مرد و زن می‌رسد و از همه حقوق و تکالیف فرزندی برخوردار است. اما تا هنگامی که بتوان زن و شوهر را معالجه کرد و موجبات بارداری آنها را از یکدیگر فراهم نمود، نباید سراغ گرفتن اسپرم یا تخمک دیگری رفت. نکته مهم اینکه در صورت تجویز تلقیح اسپرم و تخمک دیگر، تنها این عمل برای مرد و زن که مدتی با هم زندگی زناشویی داشته و بچه‌دار نشده‌اند و خواستار فرزند هستند، صورت گیرد و نه برای زن مجرد و بدون شوهر.

در صورتی که به لحاظ ناتوانی زن از نگهداری جنین در رحم خود، اسپرم شوهر با تخمک زن ترکیب و در رحم زن دیگر قرار داده شود که پس از وضع حمل بچه به زوجین تحویل گردد، باید علاوه بر ملاحظه مصالح اجتماعی، در تجویز این عمل همانند صورت قبل نسب بچه به دو زن فوق مشخص گردد زیرا یکی از احتمالات این است که زن صاحب رحم از لحاظ محرمیت و مانعیت نکاح حکم مادر رضاعی را داشته باشد ولی زن دهنده تخمک مادر طبیعی محسوب و تمام آثار و احکام مربوط به مادر فرزندی بر او بار باشد.

اینها همه مسائل نوینی هستند که پیش روی فقه معاصر قرار دارند و تأمل بیشتر فقها و احکام صریح و روشن ایشان را می‌طلبند.

## منابع و مأخذ

- ✓ **القرآن الکریم**
- ✓ ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، *من لا یحضره الفقیه*، تهران، دارالکتب اسلامیة، چاپ سوم، بی تا
- ✓ اراکی، محمد علی، *رساله توضیح المسائل*، بی جا، بی تا
- ✓ الجبعی العاملی، زین الدین، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*، تحقیق سید محمد کلانتر، چاپ ایران، مؤسسه دارالعالم الاسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳
- ✓ *همو، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، تهران، مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ
- ✓ الحر العاملی، محمد حسین بن الحسن، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
- ✓ الحلّی، ابوطالب محمد بن یوسف بن المطهر، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم، مؤسسه اسمعیلیان، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ الرازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی تا
- ✓ القرضاوی، یوسف، *الحلال و الحرام فی الاسلام*، تعلیقه محمد تقی جواهری، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹هـ ۱۹۸۹م
- ✓ الموسوی الخمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، بی تا
- ✓ امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸

- ✓ حرم پناهی، محسن، «**تلقیح مصنوعی**»، قم، فصلنامه فقه اهل بیت، سال سوم، تابستان و بهار ۱۳۷۶
- ✓ روحانی، سید صادق، **المسائل المستحدثه**، قم، انتشارات مکتبه محمدی، چاپ اول، ۱۳۵۸هـ
- ✓ طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران، ۱۳۷۶
- ✓ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، **التبیین فی تفسیر القرآن**، مکتب العالم الاسلامی، چاپ اول، بی تا
- ✓ فیض السلام، علی نقی، **نهج البلاغه**، ترجمه و شرح محمد جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، چاپ ششم، بی تا
- ✓ قبله‌ای، خلیل، «**بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع**»، تهران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، سال چهارم، ۱۳۷۸
- ✓ کاتوزیان، ناصر، **حقوق خانواده**، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۶۸
- ✓ کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷
- ✓ گلپایگانی، سید محمد رضا، **مجمع المسائل**، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۶۳
- ✓ مؤمن، محمد، «**سخنی درباره تلقیح مصنوعی**»، قم، فصلنامه فقه اهل بیت، سال اول، ۱۳۷۴
- ✓ مهرپور، حسین، **حقوق زن**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ نجفی، محمد حسن، **جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱م
- ✓ یزدی، محمد، «**باروری مصنوعی و حکم فقهی آن**»، قم، فصلنامه فقه اهل بیت، سال سوم، تابستان ۱۳۷۵
- قوانین**
- ✓ قانون مجازات اسلامی



✓ قانون مدنی